

عنوان مقاله:

زمانمندی، فردگرایی، و غیریت: زمانمندی اخلاقی لویناس در مقایسه با زمان فردگرایانه در برگسون و هایدگر

محل انتشار:

دوفصلنامه شناخت، دوره 13، شماره 1 (سال: 1399)

تعداد صفحات اصل مقاله: 15

نویسندگان:

زینب حیدری مقدم - دانشگاه شهید بهشتی

امیرعلی نجمیان - دانشگاه شهید بهشتی

خلاصه مقاله:

نقش زمان در آراء برگسون و هایدگر از اهمیت زیادی برخوردار است. از دیدگاه برگسون، واقعیت زمان نه کمیتی بیرونی بلکه کیفیتی درونی ست؛ زمان همان "استمرار"ی ست که حالات آگاهی فرد را در بر می گیرد و بر گوناگونی آنها صحنه می گذارد. هایدگر نیز منشأ زمان واقعی را در درون جستجو می کند و اصالت دازاین را وابسته به اصالت این "زمانمندی" می بیند. به زعم هایدگر، نگاه دازاین به آینده و مرگ خود مهم ترین المان های "زمانمندی" او هستند. اما مسئله اینجاست که تاکید این دو فیلسوف بر فردی بودن سرچشمه ی زمان رابطه ی بین زمان اصیل و حضور "دیگری" را با مشکل مواجه می کند. به عبارت دیگر، بنا بر ادعای برگسون و هایدگر، اصالت زمان تنها در انزوای "خود" میسر است و آنچه در مجاورت "دیگری" به دست می آید همان زمان بیرونی، عینی، و همگانی ست. بدین ترتیب، آیا باید پذیرفت که درک واقعیت زمان و اخلاق دو مفهوم گردنیامدنی هستند؟ پژوهش حاضر پاسخ به این پرسش را در آراء لویناس جستجو می کند. لویناس نیز درک فلسفه ی اخلاق خود را مشروط به درک واقعیت زمان می داند. از سوی دیگر، به رغم شباهت های موجود، آنچه به زعم لویناس زمان واقعی ست تنها در مخالفت بنیادین با برگسون و هایدگر معنا می یابد. از دیدگاه او، زمانمندی در انزوا میسر نیست و زمان در ارتباط با دیگری زاده می شود. مطالعه ی حاضر بر آن است تا با پرداختن به اساسی ترین تفاوت های موجود بین درک لویناس از زمان و تعاریف برگسون و هایدگر، و با روشن تر کردن پیچیدگی های ارتباط بین زمان و "دیگری" در تفکر لویناس، نشان دهد که چگونه نوآوری لویناس و مخالفت او با دو فیلسوف پیش از خود، به رابطه ی بین زمانمندی و اخلاق معنایی جدید بخشیده است.

کلمات کلیدی:

استمرار، زمانمندی، غیریت، خود و دیگری، فردگرایی، اخلاق

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1269355>

